

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۲ نومبر ۲۰۲۰

سرانجام مسلمان نمائی و اسلام پناهی!

۵

چهارشنبه- ۲۱ عقرب ۱۳۹۹ - کابل:

۳- نتایج عوامل و تمهیدات مسلمان نمائی و اسلام پناهی:

هر چند نخستین نتایج مسلمان نمائی و اسلام پناهی در اوج سیطره روسها و مزدورانش خود را در تولد شوم کتله های وسیع توابع و نادم نسبت به اندیشه های پیشرو عصر نشان داد و رهبران حاکمیت دست نشانده از نجیب گرفته تا کشتمند و از لایق گرفته تا تتی و بقیه مزدوران روس در اشکال مختلف با هم مسابقه مسلمان نمائی و اسلام پناهی گذاشته، ازدورغ، ریا و فریبی که به کار می بردند نه از خود خجالت می کشیدند نه از مردم؛ مگر اوج این روند زمانی خود را متباز ساخت که بعد از آنهمه تمهیدات، امپریالیسم و ارتجاع در یک هماهنگی ننگین با شوروی در حال اضمحلال، "جهادیت" ها را بر کابل و تمام افغانستان حاکم ساختند.

هموطنان گرامی، به خصوص نسل ما!

در اینجا از فرد فرد تان تقاضا دارم تا به گذشته های ۲۸ سال قبل خود تان مراجعه کنید و هر چند آن خاطرات تلخ و دردناک است، باز هم آنها را در ذهن تان مرور کنید.

امروز وقتی راجع به آغاز حاکمیت "جهادیت" ها صحبت به عمل می آید، با تأسف فقط یک بعد آن یعنی بعد عدم امنیت و سگ جنگی های جهادیت ها چنان عمده می گردد، که نسل نو و بی خبر از قضایا، شاید فکر نمایند تمام مصیبت همان بوده که گفته می شود.

خواننده عزیز!

اگر آن روزگار را خود تجربه نموده ای، منتظر کس دیگری نمان خود قلم بردار و آن چه را با گوشت و خون خودت و بقیه هموطنانت تجربه نموده ای بنگار، هرگاه جوان هستی و آن روزگار تجربه مستقیم خودت نمی تواند باشد، از والدینت بخواه تا تجارب آمدن دهاره های وحشی را بر شهر کابل و حملات آنها را بر فرهنگ و تمام نمود های فرهنگی کشور برایت بنویسند و یا بازگو نمایند، تا وضعیت آنروز برایت قابل درک گردد.

خوانندگان عزیز!

در تاریخ اسلام یکی از موارد مورد مناقشه، که اکثر مؤرخین تلاش نموده اند آن را تکذیب نموده آن را اتهامی از جانب دشمنان اسلام به خصوص مسیحیت و یهود معرفی نموده اند، کتاب سوزان مصر، بعد از سلطه مسلمانان بر آن شهر به فرمان عمر خلیفه دوم مسلمانان است. برای من نوعی که در مورد به قدر کافی خوانده ام و دلایل دوطرف را نیز با دقت تعقیب نموده ام، آن کتاب سوزان تا زمانی قابل تأمل و اتهام می تواند تلقی شود، که پادی از کشور خودم و آنچه بر کابل با سلطه جهادیت ها بر کتاب، کتابخانه و مکاتب آمد، به میان نیاید، مگر وقتی به یاد می آورم که بعد از فرمان تاریخی ننگین "مولوی یونس خالص" که "کتاب غیر اسلامی را از بین ببرید"، جهادیت های وحشی چگونه بر مکاتب و کتابخانه ها حمله آوردند و چگونه با سوختاندن کتاب، در تمام پوسته ها خود را گرم می نمودند، به خود حق می دهم بنویسم که آنچه را به عمر خلیفه دوم و کتاب سوزان کتابخانه های مصر گفته اند، مطلقاً درست بوده است. چه اگر چنان نمی بود و کتاب سوختاندن به مثابه "سنت شیخین" در اسلام جایگاهی نمی داشت، تا امروز یک آخند و ملانی که ذره ای وجدان و شرافت در وجودش باقیمانده است، می بایست آن فرمان مولوی "خالص" را ضد اسلامی اعلام می داشت.

نظر به فرمان مولوی "خالص" که کتاب "غیر اسلامی را از بین ببرید"، علاوه از این که کتابهای تاریخ، جغرافیه، کیمیا، فزیک، بیولوژی، ریاضی و ... همه سوختانده شدند و تعدادی از آنها توسط همان جهادیت ها به پاکستان انتقال یافتند، بلکه اموال و دارائی های مکاتب نیز تاراج و حریق گردید.

من که تمام دوران ابتدائی را در مکتب "درخانی" در کنار پسران و دختران محل درس خوانده بودم، در همان نخستین روز های سلطه جهادیت ها بر شهر کابل، وقتی دیدم که چگونه مکتب درخانی به تاراج رفت و به مثابه مراکز پرورش "کفر و الحاد" نه تنها کتب و اسنادش همه حریق گردید بلکه میز و چوکی مکتب نیز توسط قومندانان زورمند، به ناکجاآباد ها انتقال یافتند، چنان احساس می نمودم که با بردن هر میز و هر چوکی، قسمتی از بدنم را با تیغ جدا نموده می ربایند.

هموطنان گرامی!

شما هم به خاطر دارید که دشمنی جهل با علم و معرفت به چندسال حاکمیت "جهادیت" ها خاتمه نیافته، بلکه با سلطه طالب بر شهر کابل و اکثر شهر های دیگر، این دشمنی اوج و فاز جدیدی یافت. تأثیر تمام این جنایات، کتاب سوزی ها و به گفته "شاملو" «بوئیدن دهان» که مبدا حرف آگاهگرانه ای دهانت بیرون شده باشد، چیزی نبود به جز تحکیم سلطه قشر ملا و آخند و تشدید مسلمان نمائی.

در قسمت بعدی این نوشته دوام همان روند را در اشکال دیگری در حاکمیت مستعمراتی "کرزی"، "غنی" پی خواهیم گرفت.

ادامه دارد